

نگاه
مجموعهٔ **رضایی**؛ تاریخ‌پژوه

رویکرد رضاخان به دانشگاه و دانشجو در آیینهِ یک بازخوانی

دل‌نگران آزادیخواهی دانشجویان!

رضاخان به‌رم ادعاها و اقدام‌هایی که برای گسترش آموزش‌های جدید در ایران و به‌ویژه سزایماندهی دانشکده‌های پراکنده و تأسیس دانشگاه تهران کرد، همواره نگران این موضوع بود که محصلان و دانشجویان، به افکار آزادیخواهانه روی بیاورند. وی انتظار داشت که دانشجویان از تمدن غرب، فقط آموزه‌های صنعتی و آداب فرهنگی را یاد بگیرند و چگونگی نظام‌های سیاسی و آزادی‌های موجود در آن جوامع را نیاموزند و در کشور ترویج نکنند. با این همه و در عمل، منع دانشجویان از یادگیری جنبه‌های سیاسی و اجتماعی این تمدن، امکان‌پذیر نبود. از طرف دیگر دیکتاتوری رضاشاه و وابستگی آن به غرب و نابرابری‌های موجود در جامعه، زمینه‌های ناراضیاتی دانشجویان را فراهم آورده بود. در سال ۱۳۰۹، دانشجویان ایرانی مخالف مقیم اروپا، با تشکیل کنگره‌ای در کلن، خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی و ایجاد جمهوری شدند و رضاشاه را ا‌لت دست امپریالیسم انگلیس خواندند! در سال بعد، گروهی از دانشجویان مقیم مونیخ که با اعضای باقیمانده فرقه کمونیست ایران، همکاری نزدیکی داشتند، نشریه جدیدی به نام «پیکار» منتشر کردند.

رضاشاه برای رویارویی با اینگونه فعالیت‌ها، دولت آلمان را وادار کرد تا از انتشار آن جلوگیری کند و به مجلس فرمان داد تا قانونی برای حفظ امنیت ملی تصویب کند. براساس این قانون، اعضای سازمان‌هایی که «پادشاهی مشروطه» را به خطر می‌انداختند، یا «مرام اشتراکی» را تبلیغ می‌کردند، به ۱۰ سال زندان محکوم می‌شدند! البته وضع و تصویب چنین قوانینی، نتوانست از مخالفت‌ها جلوگیری کند. اعتراض‌های دانشجویی در اروپا، دنبال شد و در داخل کشور نیز روشنفکران مخالف، خود را باز یافتند.

در این دوران، فعالیت دانشجویان و استادان مذهبی، با توجه به فضای ضدمذهبی حاکم بر جامعه دانشگاهی و محافل روشنفکری و نیز اقدام‌های ضدمذهبی رضا شاه، با محدودیت زیادی مواجه بود زیرا بعد از انقلاب مشروطیت، گروهی این گونه تبلیغ می‌کردند که دلیل مقب‌ماندگی و مشکلات موجود جامعه ایران در معتقدات دینی است و تبلیغات دولتی و چپ نیز این موضوع را دامن می‌زد، به گونه‌ای که دینداری و عمل به احکام دینی، مصائب زیادی داشت، اما همین گروه، برای حفظ هویت خود، زمینه راهیابی اندیشه دینی به دانشگاه را در سال‌های بعد فراهم کرد.

در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۵، اعتصاب‌هایی توسط دانشجویان پزشکی و تربیت معلم صورت گرفت. در سال ۱۳۱۶ نیز دانشجویان دانشکده حقوق، در اعتراض به هزینه تفکر منطقی تبلیغ می‌شد، امیدهایی را در دل برخی بازدید ولیعهد، در کلاس حاضر نشدند! در همان سال، ۲۰فارع‌التحصیل دانشگاه که بیشتر آنها در حال گذراندن خدمت سربازی بودند، به جرم پشتیبانی از «فاشیسم» و وطن‌ه پرایی قتل‌شاه، بازداشت شدند! رهبر گروه، دانشجوی ۲۶ساله رشته حقوق و دارای درجه ستوان دومی، به‌طور پنهانی اعدام شد! در این دوران ایدئولوژی مارکسیسم که پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م، به‌عنوان یک طرز تفکر منطقی تبلیغ می‌شد، امیدهایی را در دل برخی از تحصیل‌کردگان ایرانی، زنده کرد و به تدریج در صدد دستیابی به جایگاهی، در سطح دانشگاه بود.



این گروه پس از استعقرار حکومت رضاشاه، با برنامه‌ریزی خاصی و به‌صورت مخفی، حول محور مجله «دنیا» که توسط تقی ارانی منتشر می‌شد، به ترویج افکار خویش پرداخت. ارانی در همین دوران، گروهی را سازمان داد که پس از دستگیری، به گروه ۳۰نفر مشهور شد. اعضای این گروه، عمدتاً از دانشجویان و استادان دانشگاه تهران بودند. از دیدگاه این گروه، دولت رضاشاه یک دولت بورژوازی وابسته به اردوگاه سرمایه‌داری، به‌ویژه انگلستان بود. از این‌رو تلاش برای برداشتن چنین سیستمی، در زمره اهداف آنان بود. اعضای این گروه در اردیبهشت ۱۳۱۶، به اتهام تشکیل سازمان مخفی، انتشار بیانیه‌ای ماه می (روز کارگر)، سازماندهی اعتصاب‌های دانشکده فنی و کارخانه نساجی و اصفهان و ترجمه کتاب‌هایی مانند «کاپیتال مارکس» و «مانیفست کمونیست»، دستگیر و به مجازات‌های مختلف محکوم شدند. با این وصف، اگرچه حکومت خودکامه و دیکتاتوری رضاشاه، با ایجاد اختناق، استیلایی بیگانگان، سیاست‌های فرهنگی ضددینی و گسترش فرهنگ غربی و ایده‌های نوینستی ایران باستان و سیاست‌های توسعه شبه‌مدرنستی، زمینه‌های ناراضیاتی بخشی از دانشجویان و دانشگاهیان را فراهم کرد اما فعالیت سیاسی را، از همگان سلب کرده بود. بنابراین می‌توان گفت که جنبش دانشجویی، در سال‌های نخست خود که می‌توان از آن به‌عنوان دوره جنبشی یاد کرد، به‌دلیل استبداد خشنوت‌آمیز رضاشاهی، در مقابل فضای ضددینی حاکم بر دانشگاه‌ها، کاملاً سکوت اختیار کرده و در این دوره، شاهد تحرک خاصی از سوی این جنبش نبوده‌ایم. هر چند این سکوت، به نوعی بستر ساز تحولات بعدی شد.

تاریخ



۱۵ بهمن ۱۳۱۳، رضاخان در آیین تأسیس دانشگاه تهران

رضاخان، تأسیس دانشگاه تهران افسانه‌ها و واقعیت‌ها

تجمیع مؤسسات آموزش عالی، با هدف کنترل دانشجویان

الهام دانی سرشت گفت‌وگو روزنامه‌نگار

دانشگاه تهران، از معتبرترین و بزرگ‌ترین نهادهای آموزش عالی در ایران است. با این همه پیرامون این نهاد مادر، روایت‌های تحریف‌شده و افسانه‌گون کم نیستند؛ یکی از این افسانه‌ها، ماجرای شکل‌گیری این دانشگاه است. برخی تأسیس دانشگاه تهران را، از جمله اقدامات رضاشاه در راستای توسعه آموزش عالی در کشور، مطرح کرده و این نهاد را، نخستین نهاد آموزش عالی در ایران برشمردند؛ نوشتار زیر در پی آن است تا با بررسی پیشینه تاریخی این موضوع، زوایای پیدا و پنهان آن را، هویدا سازد.

آیا «دانشگاه تهران» نخستین دانشگاه ایران بود؟
هر چند ادعا می‌شود که رضاخان با تأسیس دانشگاه تهران، سنگ‌بنای آموزش عالی را در ایران گذاشت اما بررسی‌های دقیق‌تر تاریخی نشان می‌دهد که پیش از روی کار آمدن او، مؤسسات آموزش عالی در ایران، ایجاد شده بودند. مراکز برجسته علمی، همچون: مدرسه‌نصیبین و دانشگاه جندی‌شاپور در استان خوزستان که در سال ۵۳۰ میلادی، به فرمان خسرو انوشیروان تأسیس یافت و تا زمان عباسیان دوام داشت، دلیلی بر این مدعاست. از دوران صفویه نیز، انتقال علوم و معارف جدید از اروپا آغاز شد تا اینکه نخستین مدرسه جدید در سال ۱۲۱۲ شمسی، در ارومیه آغاز به کار کرد. اندیشه ایجاد مرکزی برای آموزش عالی در ایران و به تعبیر دیگر دانشگاه، نخستین بار با تأسیس دارالفنون، در سال ۱۲۲۰ شمسی با رشته‌های مهندسی، داروسازی، طب و جراحی، توپخانه، پیاده‌نظام، سوارانظام و معدن‌شناسی، به‌همت میرزاخان تقی‌امیر کبیر عملی شد. دارالفنون گرچه توسعه نیافت اما تجربه‌ای منتظم پیش‌روی کسانی بود که از زوئی آشنایی ایرانیان، با دانش‌های جدید و پیشرفت‌های اروپاییان در صنعت، اقتصاد، سیاست و… بودند.

در سال ۱۲۹۷ و ۲ سال پیش از کودتای انگلیسی رضاخان نیز، دانشگاهی که امروز معروف به دانشگاه خوارزمی است، تأسیس شد. مدرسه عالی طب نیز، سال‌ها پیش از روی کار آمدن رضاشاه، فعالیت داشت و پزشک تربیت می‌کرد. پزشکان فارغ‌التحصیلی این مدرسه، در درجه تخصص و استادی بودند. این مدرسه در سطح تخصصی، در آراشته امراض نسوان (بیماری زنان) و کحالی (چشم‌پزشکی)، پذیرش دانشجویان داشت. در رابطه با دیگر رشته‌های دانشجویان پس از گذراندن دوره عمومی، برای اخذ مدرک تخصصی موردنظر، به خارج از کشور می‌رفتند همچنین ادعا می‌شود که دبیرستان‌ها نیز توسط رضاشاه در ایران تأسیس شدند، در حالی که پیش از کودتای سوم اسفند و روی کار آمدن وی، حداقل ۱۷ دبیرستان در تهران وجود داشت که سه مورد از آن دخترانه بود. ایران پیش از کودتا، دارالعلمیات(دانشسرای تربیت معلم)داشت. هدف از تأسیس دارالعلمیات، تربیت دبیران لیسانسه، برای آموزش در دبیرستان‌ها بود. ایجاد و توسعه دبیرستان‌ها، موجب شده بود تا تعداد داوطلبان ورود به مؤسسات آموزش عالی، افزایش یابد و مدرسه عالی طب، مدرسه عالی تجارت، مدرسه عالی فلاحت و…، دانشجویان بیشتری داشته باشد و در نتیجه، آموزش عالی در ایران، توسعه پیدا کند. (۱)

از این‌رو بسیاری از پژوهشگران تاریخ، ساخته شدن نخستین دانشگاه و توسعه آموزش عالی در ایران توسط رضاشاه را، یکی از دروغ‌های تاریخ می‌دانند. در واقع رضاشاه تنها کاری که انجام داد، دانشگاه علوم و دانشکده ادبیات‌که پیش‌تر مربوط به دانشگاه خوارزمی بود، دانشکده فنی(که همان دارالفنون بود،

مدرسه عالی طب، (همان مدرسه عالی علوم و حقوق سیاسی که در زمان مظفرالدین شاه تأسیس شده بود) مدرسه عالی فلاحت و صنایع روستایی (مدرسه فلاحت مظفر، نخستین مدرسه کشاورزی در ایران)، مدرسه صنایع و هنر (تأسیس توسط کمال‌الملک)، مدرسه عالی معماری حقوق و چند مرکز آموزش عالی دیگر در تهران، که برخی از آنان سال‌ها قدمت داشتند را در یک مکان و به‌نام دانشگاه تهران مجتمع کرد و با این تجمیع، نام دانشگاه در ایران مرسوم شد. تا پیش از تأسیس این نهاد، کلمه «دانشگاه» در واژگان فارسی وجود نداشت و این کلمه، همراه با کلمه «دانشکده» از آن زمان در ایران مرسوم شد. در کتاب استاد عشق به نقل از پروفسور حسایی آمده است که او در ایران، نام دانشگاه را معادل‌سازی کرد و در طرح پیشنهادی خود برای وزیر فرهنگ، به کار برد.

هدف از تجمیع مؤسسات آموزشی، در قالب دانشگاه تهران چه بود؟
در خصوص اینکه رضاخان، از تجمیع مؤسسات آموزش عالی چه هدفی داشت، نظرات متفاوتی بیان شده است. اما بررسی روندها و اتفاقات رخ داده در این رابطه تا حدودی می‌توان به‌انگیزه رضاشاه پی‌برد. در سال ۱۹۲۸ میلادی، دانشجویان ایرانی مقیم اروپا، در جریان حضور عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار در آلمان، تظاهرات‌هایی را علیه رضاشاه بر گزار کردند. آنان همچنین گزارشی‌هایی با موضوع جنایات پهلوی اول، به زبان‌های: انگلیسی، فرانسوی و آلمانی تهیه و برای مطبوعات آلمان ارسال کردند. انتشار این گزارش‌ها، موجب تریگی روابط ایران و آلمان شد. در نتیجه مرتضی علوی (برادر بزرگ‌علوی)، از آلمان اخراج شد و به مرگ مشکوکی، از دنیا رفت! مرتضی علوی به همراه تقی ارانی، احمد اسدالدی ایراج اسکندری، نشریه‌ای به نام «پیکار» را در آلمان منتشر می‌کرد. محتوای نشریه پیکار، ضددیکتاتوری و نشر اندیشه جمهوریخواهی بود. رضاشاه در پی اعتراضات دانشجویان ایرانی در آلمان، تصمیم به ایجاد محدوددت‌هایی در اعزام دانشجو به خارج و تشدید کنترل بر فعالیت‌های دانشجویان داخل کشور گرفت. تیمورتاش از طرف دولت ایران، به سفارت آلمان رفت و خشم رضاشاه از فعالیت‌های علوی و دیگر دانشجویان در آن کشور را، اعلام و از دولت آن کشور درخواست کرد تا از انتشار و پخش نشریه پیکار در برلین، جلوگیری شود. در نتیجه دولت آلمان، اقدام به توقف انتشار این نشریه و دستگیری مرتضی علوی کرد.(۲) در داخل کشور نیز، مؤسسات آموزشی عالی را، تحت کنترل‌های شدیدی قرار داد و در این راستا، اقدام به تجمیع چند مؤسسه آموزش عالی، تحت عنوان دانشگاه تهران کرد. افسین متین در پژوهش تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی، سه اثر مشوع اشاراتی دارد. او تعطیلی موقت دانشکده فنی در سال ۱۳۱۶، در پی اعتراضات دانشجویان را، نمونه‌ای از این کنترل شدید عنوان کرده است.(۳)

بنابراین تأسیس دانشگاه تهران، با هدف تجمیع مؤسسات آموزش عالی در تهران و ایجاد تشکیلات و تنظیماتی، برای کنترل هر چه بیشتر فعالیت‌های دانشجویان، انجام گرفت. تا پایان دوره پهلوی اول، جز ایجاد ساختمان دار دانشکده‌هایی که پیش از تأسیس دانشگاه تهران، فعالیت داشتند، هیچ اقدام دیگری صورت نگرفت! دانشکده‌های معدود جدیدی هم که به‌وجود آمد، رشته‌های تحصیلی‌اش، همان رشته‌هایی بود که پیش از آن، در مؤسسات آموزش عالی، تدریس می‌شد. البته دانشگاه تهران در این دوره، پیشرفت‌هایی علمی هم داشت که به‌همت استادان دانشجویان بود. چرا که رضاخان اهتمایی به پیشرفت علمی نداشت و بیشتر به فکر نظم دادن به دانشگاه و ساخت ساختمان، برای کنترل هر چه بهتر فعالیت‌ها و تحرک بود.

ایده تأسیس دانشگاه تهران، از کج بود؟

اما ایده دانشگاه، چگونه به ذهن رضاخان که یک

نظامی فاقد تحصیلات بود، رسید؟ براساس اسناد تاریخی، دکتر اسماعیل سنگ، نماینده ساری و تنکابن در مجلس ششم بود که برای نخستین بار، ایده ساخت دانشگاهی سراسری، به‌شکل انونپورسیسته‌های فرهنگی را مطرح کرد. او در سال ۱۳۰۵، در نامه‌ای به سیدمحمد تدین، وزیر وقت معارف، خواستار اقدام دولت، برای احداث انونپورسیته در ایران شد. موضوعی که خود تدین نیز به آن نظر داشت. او چندی بعد، در پاسخ به نامه دکتر سنگ گفت: «اجع به اونپورسیته، که آن را می‌توانیم دارالعلوم بگویم، کمال علاقه را دارم و مشغول تهیه لوازم مقدمات آن هستم. نظر من این است که در یک فضای وسیعی که شاید ۸۰ تا ۱۰۰ هزار فرع مربع وسعت داشته باشد، بنایی ساخته شود که شعب علوم و فنون، در آنجا تأسیس گردد.» (۴) این گفت‌وگو میان نماینده و وزیر مسکوت ماند تا ۲سال بعد که به‌گفته دکتر محمود حسایی، او پیشنهاد رانندازی مرکزی جامع، برای تدریس همه یا اغلب دانش‌های روز را، با علی‌اصغر حکمت، وزیر وقت فرهنگ، در میان نهاد و در سال ۱۳۱۰ نیز، تیمورتاشی وزیر دربار وقت، عیسی صدیق را برای مطالعه در «تأسیسات علمی دنیای جدید» و تهیه طرحی برای تأسیس دانشگاه در کشور، مأمور به اروپا کرد. (۵) اما ایده اصلی تأسیس دانشگاه در دربار در آلمان، تظاهرات‌هایی را علیه رضاشاه بر گزار دکتر صدیق، توسط علی‌اصغر حکمت به گوش رضاشاه رسید و با موافقت او پیگیری شد. حکمت در خاطراتش، به یکی از جلسات هیأت‌وزرا اشاره می‌کند که در بهمن‌ماه ۱۳۱۲ با حضور رضاشاه، در عمارتی که بعدها کاخ ملکه پهلوی شد، بر گزار شده بود و در آنجا، پیشنهاد سرنوشت‌ساز خود، مبنی بر راه‌اندازی انونپورسیته را، به شاه ارائه کرد. چنانکه او روایت می‌کند، در آن جلسه که بحث غالب، سخن از آبادی تهران و عظمت ابنیه و عمارات و قصور زیبای جدید بوده و هیأت دولت، از فروغی رئیس‌الوزرا گرفته تا وزیران دیگر، همه به تحسین و تمجید

او پیشنهاد رانندازی مرکزی جامع، برای تدریس همه یا اغلب دانش‌های روز را، با علی‌اصغر حکمت، وزیر وقت فرهنگ، در میان نهاد و در سال ۱۳۱۰ نیز، تیمورتاشی وزیر دربار وقت، عیسی صدیق را برای مطالعه در «تأسیسات علمی دنیای جدید» و تهیه طرحی برای تأسیس دانشگاه در کشور، مأمور به اروپا کرد. (۵) اما ایده اصلی تأسیس دانشگاه در دربار در آلمان، تظاهرات‌هایی را علیه رضاشاه بر گزار دکتر صدیق، توسط علی‌اصغر حکمت به گوش رضاشاه رسید و با موافقت او پیگیری شد. حکمت در خاطراتش، به یکی از جلسات هیأت‌وزرا اشاره می‌کند که در بهمن‌ماه ۱۳۱۲ با حضور رضاشاه، در عمارتی که بعدها کاخ ملکه پهلوی شد، بر گزار شده بود و در آنجا، پیشنهاد سرنوشت‌ساز خود، مبنی بر راه‌اندازی انونپورسیته را، به شاه ارائه کرد. چنانکه او روایت می‌کند، در آن جلسه که بحث غالب، سخن از آبادی تهران و عظمت ابنیه و عمارات و قصور زیبای جدید بوده و هیأت دولت، از فروغی رئیس‌الوزرا گرفته تا وزیران دیگر، همه به تحسین و تمجید



بسیاری از پژوهشگران تاریخ، ساخته شدن نخستین دانشگاه و توسعه آموزش عالی در ایران توسط رضاشاه را، یکی از دروغ‌های تاریخ می‌دانند!
در واقع رضاشاه تنها کاری که انجام داد، مراکز آموزش عالی در تهران را که برخی از آنان سال‌ها قدمت داشتند، در یک مکان و به‌نام دانشگاه تهران مجتمع کرد؛ امری که ایجاد کنترل بیشتر بر دانشجویان و اعتراضات آنان را، پی‌جویی می‌کرد

زبان گشوده بودند، حکمت گفته بود: «در آبادی و عظمت پایتخت البته شکی نیست، ولی نقصی که دارد، این است که این شهر، هنوز عمارت مخصوص «اونپورسیته» ندارد و حیفا است که این شهر نوین، از همه بلاد بزرگ عالم، از این حیث عقب باشد!…». رضاشاه هم بعد از اندک تأملی، پاسخ داده بود: «بسیار خوب آن را بسازید!» (۶) «بسیار خوب» در مقابل هیأت‌وزیران، بهانه‌ای شد تا حکمت آن را، در جلسه بعد هیأت‌وزرا مطرح کند. «در آغاز این جلسه که با حضور شاه بر گزار شد، به وزیر عدلیه مرحوم علی‌اکبر داور، فرمودند: در بودجه سال بعد، ۲۵۰ هزار تومان به وزارت معارف، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آندره گمار» معمار و باستان‌شناس مشهور فرانسوی که آن زمان در استخدام وزارت معارف بود، به‌فایده‌ای، تقدیم مجلس شورای ملی شود و مبلغ را افزون بر بودجه هر ساله، برای ساختمان دارالعلوم، به‌وزارت معارف اختصاص داد. حکمت بعد از ابلاغ این قانون، در پی یافتن محل مناسبی برای بنای دانشگاه، فعالیت خود را آغاز کرد و در این راه، از همفکری «آند